

# نرخ صادراتی آدماهای خیرخواه!



نوشته: محمد حیدری

مربوطه مصرف نشده باقی بماند.  
نوشتم باران و قارچ...  
مصوبه مجلس همان باران رحمت بود و این مؤسسات هم قارچ‌های پس از آن باران هستند.

بعداً مصوبه هیأت دولت موجب روئیدن قارچ‌های جدید شد.  
حالا هم شنیده می‌شود که قرار است باران رحمت بانکها نیز به صورت اعتبارات ویژه برای مدارس غیر انتفاعی بیارد و لاجرم ما شاهد روئیدن قارچ‌های جدیدی خواهیم بود.

لذا این احتمال هست که در آینده سی میلیارد ریال مصوبه مجلس، اعتبارات تصویب شده هیأت دولت، و وام‌های ویژه بانکها هم برای آنکه این افراد خیرخواه بتوانند نیت خیرخواهانه‌شان را به مرحله اجرا بگذارند، تکافو نکند. در آن صورت چه باید کرد؟

به نظر بنده در آن روزگار مناسبترین راه حل این خواهد بود که مازاد این افراد خیرخواه را صادر کنیم، اگر چنین کنیم با یک تیر دو هدف را زده‌ایم: اول این که یک مختصر درآمد ارزی برای کشور به دست آورده‌ایم و دوم این که مردم ممالک دیگر را هم از فیض وجود این افراد خیر بهره‌مند کرده‌ایم.

اگر این پیشنهاد مورد پسند مسئولان محترم هست دستور فرمایند کمیسیون نرخ‌گذاری مرکز توسعه صادرات نرخ صادراتی «آدم خیرخواه» را تعیین و اعلام کند تا مبادا به وقت عمل با ضیق وقت مواجه شویم!

## سابقه صدور افراد خیرخواه!

گفتمی است که صادرات آدماهای خیرخواه پدیده تازه‌ای نیست. ما در این زمینه سوابقی داریم که یکی دو موردش را ذیلاً به عرض می‌رسانم:  
حول و حوش پیروزی انقلاب اقدامات وسیع و خودجوشی برای صدور آدم‌های خیرخواه انجام شد. عده زیادی که در آن رژیم با دریافت وام از بانکها، چپو کردن مبالغ ناچیزی از ثروت‌های ملی و استفاده از میز و مقام و منصب قصد خدمتگزاری و انجام اقدامات خیرخواهانه داشتند، چون محیط را برای ادامه خدمت مناسب ندیدند خودشان، خودشان را صادر کردند.

این علاقمندان به صادرات غیرنفتی برای افزایش حجم صادرات حتی این زحمت را متحمل شدند که همراه خود چند کیلو طلا و جواهر، چند قطعه تراول چک یا حتی چند صد کیلو اشیاء عتیقه رانیز صادر کنند.

بعد از آن موج، چند سالی صادرات آدم‌های خیرخواه قطع شد، اما اخیراً نشانه‌هایی بروز کرده که حکایت از آن دارد که صادرات آدم‌های خیرخواه مجدداً رونق گرفته است.

برای آن که از چند و چون این نوع فعالیتهای صادراتی سر در بیاوریم لازم است ابتدا آگهی زیر را بخوانیم:

بدین وسیله به آقای محمد علی کرامتی فرزند عبدالحسین که فعلاً مجهول المکان است اخطار می‌شود که به موجب کیفرخواست شماره ۸۶۴/۵/۷۱ - ۷۳/۴/۲۶ دادسرای عمومی تهران به اتهام تخلف از مقررات ارزی کشور تحت تعقیب واقع و طبق مواد قانون پولی و بانکی تقاضای مجازاتش شده است. پرونده امر برای رسیدگی به شعبه ۱۳۸ دادگاه کیفری یک تهران مستقر در ساختمان شماره یک دادگستری طبقه دوم اطاق شماره ۲۹۹ راجع و به کلاس ۱۳۸ - ۷۳ - ۲۶۰ کیفری ثبت و وقت رسیدگی به روز ۷۳/۸/۴ ساعت ۹ صبح موکول لذا مراتب سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی و کثیر الانتشار آگهی می‌شود...

مدیر دفتر شعبه ۱۳۸ دادگاه کیفری یک تهران

از این قبیل آگهی‌ها در ماههای اخیر فراوان چاپ می‌شود.

در شمارهٔ چهارم ماهنامه مطلبی نوشتیم که ای کاش نمی‌نوشتیم! مطلب با تیر «بنگاه معاملات در آموزش و پرورش» چاپ شد و در متن آن اشاره‌ای کرده بودم به بند ج از تبصره ۱۶ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۷۳ که در جملات پایانی آن آمده بود:

ج - به منظور تکمیل واحدهای نیمه تمامی که توسط افراد خیر و یا با مشارکت آنان ساخته شده است و همچنین طرحهای استانی در دست اجرا، اجازه داده می‌شود که اعتبارات ردیف ۵۰۳۱۵۶ به شرح زیر اختصاص یابد.

۱- مبلغ سی میلیارد (۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا برای موارد فوق و نیز کمک به راه‌اندازی مدارس غیرانتفاعی هزینه گردد

یک ناشی‌گری در مورد به ختم رساندن این مبحث موجب شد عده‌ای مدعی پیدا کنیم:

نوشته بودم که در فرصت مقتضی باز هم در این باره مطالبی خواهم نگاشتم و همین دستاویزی شده که عده‌ای بگویند: فلانی خود سانسوری کرد...

اما خوشبختانه این افراد بدبین در اقلیت قرار داشتند. اکثریت را افرادی تشکیل می‌دادند که نگران بودند مبادا عده آدماهای خیرخواه آنقدر کم باشد که نتوانند این سی میلیارد ریال را جذب کنند و لذا کمیت آموزش و پرورش لنگک بماند.

نگرانی این افراد رفته رفته بر خود من هم تأثیر گذاشت و دچار این تردید شدم نکند واقعاً ما با کمبود آدماهای خیرخواه مواجه شده باشیم. اما خوشبختانه قبل از آن که این نگرانی به واهمه‌ای جدی تبدیل شود، چشمم به آگهی شماره ۳۲۱/۸۸۲۴۶ روزنامه رسمی کشور افتاد و متن آن را جهت خاطر جمعی کلیه افراد نگران در مورد کمبود اشخاص خیرخواه کلیشه کرده‌ام.

با خواندن این آگهی کمی آرام شدم و وقتی مصوبه هیأت وزیران را در مورد کمک بلاعوض آموزش و پرورش به مدارس غیرانتفاعی در جراید خواندم خیالم کاملاً جمع شد و اطمینان یافتم کمیت آموزش و پرورش لنگک نخواهد ماند. آن خیر حکایت داشت که:

دنا به تصمیم اخیر هیأت وزیران، وزارت آموزش و پرورش مجاز است از محل اعتبارات خاص که در قوانین بودجه سالیانه برای کمک به مدارس غیرانتفاعی به تصویب می‌رسد یا از محل اعتباراتی که به همین منظور در بودجه وزارت مذکور پیش بینی شده است، به مدارس غیرانتفاعی کمکهای مالی و تجهیزاتی اعطاء کند.

ملاحظه می‌فرمایند که اصلاً جای نگرانی نیست.  
ما آدماهای نازنینی داریم که دور هم جمع می‌شوند و با ابتراگری تمام صد و ده هزار تومان سرمایه فراهم می‌کنند تا راه را برای پیشبرد مقاصد علمی و آموزشی و تربیتی و رفع کمبود فضای آموزشی، هموار کنند.

نه خیال کنید که عده این قبیل افراد منحصر به همین چند نفری است که آگهی به آنها مربوط می‌شود. کافی است شماره‌های مختلف روزنامه رسمی را ورق بزنید تا خودتان متوجه شوید این مملکت چقدر آدم‌های خیرخواه دارد!؟

در تهران، آمل، اصفهان، مشهد و در همه شهرهای این مرز پرگهر این قبیل مؤسسات مثل قارچ‌هایی که پس از باران سر از خاک برمی‌آورند، به ثبت می‌رسند و افراد خیرخواه زیادی، صد هزار - صد و ده هزار تومان فراهم می‌کنند تا به جمع خیرخواهان به پیوندند و نگذارند آن بودجه سی میلیارد ریالی و سایر بودجه‌های

وکلای محترم بانک مرکزی مرتباً به دادگستری عرض حال می‌دهند و قضات و کارگزاران دادگستری هم وقت بسیاری صرف می‌کنند تا به این افراد «مجهول المکان» اختطار کنند سر وقت در دادگاه حاضر شوند و از حیثیت و شرف خود دفاع کنند. غافل از این که اکثریت این افراد صادر شده‌اند!

این که عرض کردم «اکثریت صادر شده‌اند» به دلیل آن است که عده‌ای از آنها به دلایل مختلف هنوز موفق نشده‌اند خود را صادر کنند. اهل فن به این گروه افراد خیرخواه بی‌دست و پا می‌گویند: «مترو نشین‌ها»

این که چرا به اینها می‌گویند «مترو نشین‌ها» در حد و صلاحیت حقیر نیست که وارد معقولات ادبی شوم. بر محققان در رشته ادبیات عامیانه است که معلوم کنند چرا به این گروه نسبت «مترو نشین» داده شده است؟ بنده همین را می‌دانم که چه آن گروه که خود را صادر کرده‌اند، و چه این گروه که مترو نشین شده‌اند، عموماً افراد خیرخواهی بوده‌اند که برای صنعتی کردن کشور، یا برای توسعه صادرات غیر نفتی کمر همت بسته و مبالغ ناچیزی ارز و اعتبار از بانکها دریافت کرده بودند. ولی بعداً به دلایلی که البته بر

سنگین و سبک و بازرگانی، بانک مرکزی، بانکهای مادر و شعبات آنها کار می‌کنند می‌توانند با مرور پرونده‌های تشکیل شده برای صدور موافقت اصولی، پرونده‌های صادرات غیر نفتی، پرونده‌های وام‌های ریالی یا ارزی و غیره و غیره (البته پرونده‌های سنوات قبل) سر نخ به دست آورند که چه شده است این افراد خیرخواه توانسته‌اند نیات خیرخواهانه‌شان را اجرا کنند؟!

اگر این کار انجام شود احتمالاً آمار ارائه شده از سوی آقای قانع بصیری و محققان دیگر مخدوش خواهد شد و سازمان امور اداری و استخدامی می‌تواند رسماً اعلام کند که میانگین بازده کار کارمندان دولت ۲ ساعت در هفته نیست، بلکه ۲ ساعت و ۱ دقیقه است.

### یک پالان دوز در میان خیاطان

دو ماه پیش در تحریریه ماهنامه به من تکلیف کردند که در مورد برنامه‌های اول و دوم توسعه اظهار نظر کنم. عرض کردم بنده نه اقتصاددان هستم و نه از اصول برنامه‌ریزی و برنامه‌نویسی چیزی می‌دانم. اصرار کردند که نه! نمی‌شود... باید حتماً یک چیزی بنویسی. بار دیگر عرض کردم درست است که حقیر گاه‌گداری درباره نرخ سیب‌زمینی و زردچوبه اظهار نظر می‌کنم، اما از اقتصاد هیچ نمی‌دانم و اگر قرار باشد در مقوله‌ای چنین پر اهمیت اظهار نظر کنم، کار مصداق ضرب المثل «پالان‌دوزی که خود را خیاط معرفی کرده» پیدا می‌کند. اما همکاران اصرار کردند که نه باید حتماً بنویسی...

از سر ناچاری شروع کردم به مطالعه... ولی مگر چیزی دستگیرم شد؟ گزارش اصلی ماهنامه شماره ۴۳ هم که اختصاص به بررسی برنامه دوم توسعه داشت چاپ شد اما من نتوانستم حتی یک سطر در این زمینه مطلب تهیه کنم. یک روز اتفاقاً صورت مذاکرات جلسه ۲۴۱ مجلس به دستم رسید که در آن سخنان آقای حسن سلیمانی نماینده مردم کنگاور، هرسین و دینور هم چاپ شده بود. ایشان چند جمله‌ای در مورد برنامه اول و دوم بیان کرده بود که راستش را بخواید و سوسه شدم با کمی دستکاری در مطلب، آن را به اسم خودم جایز نم، اما بعد که اطلاع یافتم ایشان حقوقدان و قاضی هم هستم ترسیدم با استناد به قانون حقوق مؤلفان و مصنفان کار دستم بدهد. به همین جهت آن را عیناً رونویس کردم و به اسم خودشان ذیلاً تقدیم می‌کنم. امیدوارم مورد پسند تحریریه «گزارش» که اصرار دارد پالان‌دوزی چون مرا جزو صنف خیاطان جا بزند قرار بگیرد: این است سخنان ایشان:

یکی از شعارهای اصلی برنامه اول، کنترل نقدینگی و هدایت سرمایه‌های مردمی و ملی در جهت تولید و کارهای اساسی بود که متأسفانه رشد نقدینگی نه تنها مهار نشده است بلکه چون پدیده‌ای سرطانی در حال رشد و موجب پیدایش رو به افزایش تورم است. سیاست دوران سازندگی کشوری جنگ‌زده و مورد تهاجم اقتصادی - نظامی قرار گرفته نمی‌بایست اینگونه باشد که سرمایه‌های غیردولتی و حتی در پاره‌ای موارد دولتی به جای هدایت در مجاری فعالیت‌های تولیدی، مصرف و ورود کاروان کالاهای لوکس و اشرافی و تجملاتی شود و پاره‌ای از ارگانهای مربوط به دولت مستضعین به جای ترویج فرهنگ کار و انضباط، متناسب با منویات رهبر معظم انقلاب، آتش دنیاطلبی و تجملگرایی را دامن بزنند. نمایشگاهها و فروشگاهها و انبارها را از آخرین ماشین‌ها و محموله‌های آمریکایی پر نمایند. از یک طرف بحث از تعدیل نیروی انسانی به میان می‌آید و از طرف دیگر شرکتهای ناکارآمد گسترش پیدا می‌کند.

در برنامه‌ریزی و نیل به اهداف برنامه دوم متعادل و هماهنگ با داشته‌ها و امکانات و واقعیهای کشور حرکت کنیم. حرکت شبان کفونی امکان مشارکت تمامی اقشار امت حزب‌الله را در خود ندارد. حرکتی که تنها متکی به توان و تمکن اقشار برخوردار و صاحبان سرمایه باشد لزوماً کسانی که بر مرکب تمکن هستند را با خود همراه خواهد داشت و پیادگان یا برهنه در غبار قافله‌گم خواهند شد. تحقق اهداف برنامه، از طریق روشهای تجربه شده برنامه اول موجب فشار مالا بطلاق بر اقشار محروم و نابرخوردار است....

چون ممکن است بیانات موجز ایشان کفایت نکند، بخشی از سخنان آقای زارعی قنوتی را هم که در همان جلسه، و به هنگام بررسی طرح دو فوریتی «تمدید اجرای قانون اجازه تعیین میران حقوق گمرکی و سود بازرگانی توسط دولت مصوب ۲۷/۷/۷۲» ایراد شده است به عنوان مکمل نقل می‌کنم:

...بهر صورت با همه این مسائل که خدمت‌تان عرض کردم باید در این جا یک عرض دیگری نیز من خدمت مجلس محترم داشته باشم و آن اینکه به گذشته برگردیم نمونه‌ای ا قبیل این مسائل را ما زیاد داشته‌ایم. موارد متعددی بوده که باز هم عنوان شده که به دلیل

۷۳/۱۵

شماره ۲۲/۸۸۲۴۶

### آگهی تاسیس مؤسسه

نظر به ماده ۸ آئین‌نامه ثبت مؤسسات غیر تجاری مؤسسه خدماتی غیر انتفاعی [مخفی] در تاریخ ۷۳/۵/۵ تحت شماره ۸۰۹۲ در این اداره ثبت رسیده و خلاصه مفاد اساسنامه آن جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

- ۱- نام مؤسسه: مؤسسه خدماتی غیر انتفاعی [مخفی].
- ۲- موضوع مؤسسه: پیشبرد مقاصد علمی و آموزشی و تربیتی و رفع کمبود فضای آموزشی.
- ۳- تابعیت: ایرانی.
- ۴- مرکز اصلی مؤسسه: کوی [مخفی].

۵- اسامی مؤسسين: آقایان [مخفی]

[مخفی] میباشد.

- ۶- تاریخ تشکیل مؤسسه: از تاریخ ثبت بمدت نامحدود.
- ۷- مدیر یا مدیران و اشخاصیکه در مؤسسه حق امضاء دارند: آقای [مخفی] بعنوان مدیرعامل و نماینده مؤسسه دارای حق امضاء میباشد سایر مدیران عبارتند از آقایان [مخفی] رئیس هیئت مدیره و [مخفی] بعنوان نایب رئیس و [مخفی] بسمت اعضاء هیئت مدیره انتخاب گردیدند.

۸- دارائی مؤسسه: یازده میلیون ریال.  
پ ۱۳۹۰ اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری تهران

اینجانب نامعلوم است ترجیح داده‌اند خودشان را صادر کنند و یا مترو نشین شوند. البته این را هم می‌دانم آنها که مترو نشین هستند و در آگهی‌های احضار به اشتباه آنها را مجهول المکان خطاب می‌کنند، روزگار چندان خوشی ندارند زیرا مجبورند با شنیدن غازی که از بابت بهره‌حسابهای سپرده‌شان در بانکهای خارج برای آنها حواله می‌شود روزگار دشواری را بگذرانند و به جای آن که مثلاً در خیابانهای فرانکفورت سوار سبز شوند ناگزیرند در تهران با اتومبیل‌های کم‌اهمیتی چون گلف و نیسان پاترول رفت و آمد کنند.

وضع ناراحت‌کننده این افراد و تراکم پرونده تخلفات ارزی در دادگاهها، مدت‌ها ذهن مرا به خود مشغول کرده بود و خیلی مایل بودم بدانم چرا این افراد خیرخواه موفق به اجرای نیات خیرخواهانه‌شان نشده‌اند تا این که در یکی از مقالات همکارمان آقای محسن قانع بصیری جمله‌ای خواندم که فکری را به مغزم انداخت:

ایشان نوشته بود دولت ۳/۵ میلیون نفر کارمند دارد که بازده کار هر کدامشان ۲ ساعت در هفته است. عده‌ای از این ۳/۵ میلیون کارمند که در وزارت خانه‌های صنایع

# شرکت لیکا

## تنها تولید کننده پوکه لیکا در ایران

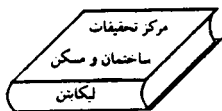
### \* صنایع ساختمانی

\* کاهش هزینه مصرف انرژی

\* بالاترین مقاومت بتن با کمترین وزن

\* بهترین عایق حرارتی با بیشترین مقاومت بتن

\* سبکی ساختمان و مقاومت بیشتر در مقابل زلزله



### \* جاده - پل - تونل

\* کاهش رانشهای افقی وعمودی خاک

\* کاهش نشست نهایی ۲/۵ تا ۳/۳ برابر کمتر

\* وزمان تراکم ۵۰ درصد نسبت به خاک سنتی



### \* ویژگی بلوکهای سبک ساختمانی لیکا

\* کاهش هزینه دستمزد از ۱/۱ تا ۱/۱

\* کاهش مصرف ملات از ۲/۲ تا ۱/۵

\* کمترین وزن فضایی با بیشترین مقاومت

( 35 - 40 Kg / cm<sup>2</sup> )

\* ماله کشی راحت با ملات سنتی، مته کاری، میخ کوبی

\* مطمئن، برش آسان و جایجایی سریع

### پرفروش ترین بلوک در

### کشورهای بازار مشترک اروپا

با کاربرد فراورده های لیکا استاندارد

ساختمان را بالا ببرید

تهران، خیابان دکتر بهشتی، شماره ۱۶۹، تلفن: ۵-۰۳۱-۸۵۵

خلاء قانونی یا عجله یا اینکه وقت دارد می گذرد چون به موقع کار انجام نگرفته مجلس در فشار قرار گرفته تا یک چیزی را علی رزم میل و بدون بررسی و بدون اینکه به مسائل توجه شود، تصویب کنیم و این صحیح نیست. من می گویم در اینجا در این طرحی که داده می شود یک بنصره هم بیاید و این مساله را عنوان کند کسانی که در این زمینه قصور می کنند با آنها چکار باید کرد. آیا نباید در اینجا یک حسابرسی، حسابرسی هم باشد که ما بدانیم آخر چرا اینجور می شود؟ تا چه موقع ما مرتب در فشار باشیم و بخواهیم طرحهای دو فوریتی یا مثلاً ماده واحده هایی که تحت فشار عظیمی بیاوریم که مثلاً وقت نیست....

یک ایراد به یک نماینده

حالا که کار به نقل بیانات نمایندگان مجلس کشیده، نمی شود از نقل بخشی از سخنان آقای محمد کریمیان نماینده سردشت و پیرانشهر در نطق قبل از دستور ایشان (جلسه ۲۴۴ مجلس) گذشت. ایشان گفته است:

نمایندگان محترم! استحضار دارید بعضی از کشورها ذلت بدهی به خارج را پذیرفته اند و مشکل تورم را در داخل کشور خود حل نموده اند و بعضی ها تورم داخل را تحمل و زیر بار ذلت فرض به یگانگانه نرفته اند. اما متأسفانه ما هم دارای تورم هستیم و هم تحت فشار بدهی به کشورهای خارجی و همچنین در این کشور هستند بسیار کسانی که روزانه به یک میلیون درآمد و بالاتر قانع نیستند و هستند بسیار کسانی که برای یکصد تومان معطلند. کارگزاران اقتصادی با جنجالهای رادیو و تلویزیونی و مطبوعاتی و وعده های بی اثر تا چه وقت باید مردم را آزار بدهند؟ مگر نمی دانند ریشه همه فسادها فقر است و چرا بعد از گذشت (۱۵) سال از انقلاب هنوز هستند کسانی که به این ملت دروغ بگویند و منشور انقلاب را نادیده بگیرند و سلیقه ای عمل نمایند. مگر اعتماد مردم به سادگی به دست آمده است؟ کجای دنیا چنین ملتی را با چنین مقاومتی و بردباری و قناعت در چنین مملکتی که سرشار از نعمات خداوندی است سراغ داریم؟ شک ندارم تأیید خواهید نمود مشکلات موجود و عدم ثبات اقتصادی مردم قهرمانان را به شدت رنجانده است. بنابراین اصلح است تا دیر نشده با استعانت از خدای متعال و با درک شرایط و تلاش و تدبیر و خلاقیت و دلسوزی بیشتر و جامع تگری و دوراندیشی و همنوایی مجلس و دولت گامهای بسیار جدی و سریع و مثبت و سازنده ای در جهت رفع کاستی ها و معضلات موجود برداریم تا به آنچه که می خواهیم نائل شویم و مگر نه در صورت لبریز شدن کاسه صبر، ملت اعتماد خود را نسبت به مجلس نیز از دست خواهد داد، همان مردمی که در تمامی صحنه های انقلاب حضور داشته اند و امتحان خود را به خوبی پس داده اند به فکر خواهند افتاد و با یک ندای رهبر خود دستهای ناپاک را شناسایی و از ریشه قطع و نابود خواهند نمود.

جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم جمهوری: بوروکراسی و ناسالم بودن محیط اداری و چشمداشت ها در مقابل انجام کار مردم روز به روز بیشتر و همچنان ملت انقلابی ایران را عذاب می دهد و مطمئناً عوامل اصلی ریشه های رشد پدیده نامطلوب ارتشاء و اختلاس در سیستم اداری کشور، ضعف قانون و اجراء و عدم برخورد قاطع و عدم وجود سیستم نظارت و کنترل کافی بر اعمال مدیران و کارکنان دولت و مشکلات اقتصادی موجود است و مبارزه با آن یک حرکت انقلابی و همه جانبه مجلس و دولت را می طلبد. زانو صفنان سودجود کماکان با گران نمودن مایحتاج عمومی روز به روز بر مشکلات مردم افزوده و متأسفانه مسؤولین ذیربط با بی تفاوتی خود آنها را راهی می نمایند و وزارت بازرگانی نیز با عنوان نمودن نصب آیتک و مصاحبه های مختلف موجب گرانی بیشتر اجناس و لوٹ شدن موضوع گردیده که بسیار جای تأسف و تعمق و بررسی است.

وارد نمودن ماشینهای رنگارنگ خارجی و اجناس مصرفی و غیر ضروری و خریدهای نایجا به بهانه انتقال تکنولوژی و مسافرت های بی رویه به کشورهای خارج، جز خروج ارز و سودآوری برای یک عده سرمایه دار خون آشام و حسرت خوردن محرومان جامعه هیچ خنسی به دنبال نداشته و ندارد و نخواهد داشت.

وضعیت ناسامان ارز و عملکرد ناپسند بانکهای کشور و عدم برخورد قاطع با آنان موجبات تکرانی مردم کشورمان را فراهم نموده و انتظار دارند دستهای ناپاک و مرموز قطع و به ملت شهید پرور ایران معرفی شوند....

لا بد می پرسید ایراد این سخنان چیست؟

عرض می کنم ایراد چندان مهمی نیست. در واقع اشتباه کردم که نوشتم «ایراد» باید می نوشتم «پیشنهاد». و پیشنهاد این است که ای کاش ایشان سخنان خود را با این فرموده پیامبرگرامی «ص» که در نهج الفصاحه ضبط است شروع می کرد:

ایاکم والدین فانه هم باللیل و ذله بالنهار ترجمه: از وام گرفتن خودداری کنید زیرا وام سبب اتدوه شب، و خواری و سرافکنندگی به هنگام روز است.